

تضاد میان آموزش و پرورش و جامعه؛ بررسی کتاب فارسی اول دبستان

دکتر شهلا اعزازی[✽]

به دنبال تغییرات شدیدی که در قرن نوزدهم در جوامع صنعتی به وجود آمد، ضرورت سواد برای افراد جامعه مطرح شد و بتدریج مورد قبول اکثر کشورهای جهان قرار گرفت، به نوعی که امروزه تقریباً تمام کودکان در اثر وارد شدن به مدرسه، سواد و تخصصهای لازم را کسب می‌کنند و به صورت افراد با سواد فعالیتهای اجتماعی خود را در جامعه انجام می‌دهند. در اثر ورود کودکان به مدارس تغییر اساسی در چگونگی و همچنین کیفیت آموزش به وجود آمد. آموزش که برای دورانی طولانی یکی از کارکردهای خانواده گسترده بود، از صورت خصوصی و خانوادگی خارج شد و در اثر واگذاری به نهاد آموزش و پرورش به پدیده‌ای عمومی تبدیل شد. سواد و کسب تخصص که در دوران قبل امتیاز خاص طبقات مرفه جامعه بود، برای عموم افراد جامعه آزاد گشت. دیگر خانواده شخصاً در مورد ضرورت و چگونگی آموزش کودکان تصمیم نمی‌گرفت، بلکه جامعه از طریق آموزش و پرورش بر ضرورت سواد و یادگیری مهارتها برای تمام افراد تأکید کرده و در عین حال

✽ عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی

چگونگی آموزش کودکان ہم به صورت امری اجتماعی مطرح شد.

کودکان جامعه باید بر طبق نیازهای جامعه پیچیده امروزی مهارتهایی را که برای زندگی در جامعه لازم است از طریق دبستان فراگیرند. وظیفه دبستان فقط آموزش سواد به کودکان نیست، بلکه با توجه به بررسیهای علوم مختلف امروزه ثابت گشته که رشد و پرورش جسمی، روانی و اجتماعی کودک نیز از کارکردهای اساسی مدرسه می‌باشد. پرورش جسمی کودکان امری طبیعی است. کودکان در اثر ورزشها و تمرینهای گوناگونی که در مدرسه و به عنوان درس انجام می‌دهند، قابلیت کنترل اندامها و عضلات خود را کسب می‌کنند. جنبه‌های روانی تربیت کودک نیز امروزه به صورت اصلی مهم در رشد و پرورش کودکان مطرح می‌گردد. معلمین از داده‌های روانشناسی و تعلیم و تربیت برای ارتقای بهره‌کاری کودکان استفاده می‌کنند و در این رابطه به مسائل روانی و عاطفی کودک نیز توجه دارند، به طوری که در اکثر مدارس جهان بر روی تشویق و پاداش کودک به جای روشهای تنبیهی و مجازاتی تأکید می‌شود.

مدارس از جنبه‌های اجتماعی نیز در رشد کودکان بسیار مؤثر می‌باشند. کودکان بعد از سنین شش سالگی ساعات زیادی را در مدرسه می‌گذرانند و مدارس بر حسب نیازهای جامعه خود، کودکان را به صورت انسانی اجتماعی به جامعه تحویل می‌دهند. مدرسه به عنوان گروه ثانویه تأثیری مهم در اجتماعی کردن کودکان دارد. در مدرسه است که بتدریج قواعد و هنجارهای زندگی جمعی به آنان آموخته می‌شود. نظم و ترتیب، تمرکز و پشتکار برای انجام دادن وظایف، احترام به حقوق دیگران و ... از طریق کلاس درس به کودکان آموخته می‌شود. همچنین کودکان در رابطه با دیگران قادر به گسترش و غنی‌تر کردن روابط اجتماعی خود می‌شوند. فرآیندهای مختلف مانند همکاری، رقابت، مساعدت و ... را فرا می‌گیرند. در عین حال کودکان نه فقط با جامعه، افراد جامعه و نقشی که بر عهده دارند آشنا می‌شوند، بلکه مهمتر از آن، با وجود خودشان به عنوان انسانی مسئول، تصمیم‌گیرنده و خلاق نیز آشنا می‌گردند.

برای ورود کودکان به مدارس محدودیتی وجود ندارد و هر کودک سالم و طبیعی شش یا هفت ساله از هر قشر، طبقه و محیط اجتماعی - فرهنگی می تواند وارد مدرسه شود. کودکان که دارای تفاوت های خانوادگی و اجتماعی با یکدیگر می باشند، در مدرسه تحت آموزش یکسان قرار می گیرند. فرض بر این است که پس از خاتمه تحصیلات همه آنان دارای قابلیت مشابه در زمینه سواد و دانش باشند و به عنوان انسانهایی مستقل، مسئول و آگاه به مقام انسانی خود از مدرسه بیرون آمده و در جامعه مشغول فعالیت شوند، و از این نظر اهمیت خاصی به آموزش دبستانی گذاشته می شود و وظیفه بسیار سنگین و مشکلی بر عهده مدرسه واگذار می گردد. زیرا مدرسه باید نقایص و کمبود های خانوادگی و اجتماعی کودکان را از بین ببرد و یا به حداقل کاهش دهد.

اجتماعی شدن کودکان در مدارس از طریق دوستان، همبازیها، کلاس درس، معلم و سایر افراد دخیل در مدرسه صورت می گیرد، در عین حال باید توجه خاصی به کتابهای درسی نیز کرد. کتابهای درسی نه فقط آموزش کلاسیک را انجام می دهند، بلکه تأثیر مهمی در برداشت کودک از جامعه برجای می گذارند. از طریق کتاب، کودک واژگان زبان خود را گسترش می دهد، با پدیده های جدید در زندگی آشنا می شود، با افراد جامعه و نقش و اهمیت آنان در جامعه آشنا می شود، روابط اجتماعی را فرا می گیرد و به طور کلی با زندگی آشنا می گردد. کتابهای درسی کودکان دبستانی باید جذاب و زیبا باشند تا علاقه آنان را نسبت به کتاب جلب کنند. در عین حال با توجه به سطح سواد کودک مطالبی را در رابطه با زندگی برای او مطرح کنند، تا کودک نه فقط به ورق زدن، تماشا کردن و خواندن کتاب علاقمند گردد، بلکه جنبه های آشنا و مختلف زندگی را در خلال آن ببیند و با پدیده های جالبی که هنوز نمی شناسد و یا درک دقیقی از آنها ندارد نیز آشنا گردد. کتابهای دوره ابتدایی وسیله ای هستند که کودک یک سال تمام آنها را می خواند، بارها از روی آنها مشق می نویسد و در نهایت، مطالب کتابها را به یاد می سپرد. تأثیر و خاطره آن کتابها برای تمام عمر در ذهن او باقی می ماند. بنابراین چگونگی ارائه تصاویر و محتوا در کتابهای درسی

دارای اهمیت فراوان است، زیرا از طریق آنها کودک رابطه‌ای میان آموزش و واقعیات اجتماعی به دست می‌آورد. کتاب وسیله‌ای است برای آشنا کردن کودک با جامعه و همچنین کاربرد سواد و آموزش در جامعه.

کتابهای دبستانی معمولاً حاوی تصویر می‌باشند. تصاویر کتابهای سال اول ابتدایی بسیار زیاد بوده و بتدریج در سالهای بعد کمتر می‌شود. بررسی زیر مربوط به تصاویر کتاب فارسی اول دبستان و بر اساس محورهای زیر می‌باشد:

۱- چگونگی نمایش دختر و پسر در کتاب فارسی، فعالیتهای آنان و چگونگی روابط اجتماعی آنان در کتاب که اصلی مهم در اجتماعی کردن کودکان می‌باشد. تصاویر کتاب برای گروههای دختر و پسر به طور یکسان در نظر گرفته شده‌اند، بنابراین باید به نوعی تدوین شده باشند که دختران و پسران هر دو و به یکسان و به طور مساوی بازتاب فعالیتهای و رفتارهای خود را در کتاب مشاهده کنند و همچنین از امکانات مختلفی که برای آنان در جامعه وجود دارد، به طور برابر آگاه گردند.

۲- انطباق تصاویر کتاب با شرایط اجتماعی امروز. کتاب دبستان چگونه کودکان ما را برای ورود به جامعه صنعتی و پیچیده ما آماده می‌سازد؟ چه اطلاعاتی از داده‌های جدید و امکانات جدید به کودکان می‌دهد و همچنین مطالب کتاب تا چه اندازه شوق و ذوق آموزش را در کودکان به وجود می‌آورد؟

مشخصات کتاب فارسی اول دبستان

کتاب فارسی اول دبستان (تألیف سال ۱۳۶۷) دارای ۱۱۰ صفحه است. در صفحات ۱۲ - ۱ تصاویر متفاوتی ارائه شده است که آموزگار در هفته‌های اول سال، به کمک این

تصاویر، صداها و همچنین آشنایی با نوشتن را به کودکان یاد می‌دهد. صفحات ۸۵-۱۲ الفبای زبان فارسی را به کودک یاد می‌دهد. برای آموزش هر یک از حروف الفبای زبان فارسی، عکسی در رابطه با آن حرف ارائه شده است. مثلاً در مورد آموزش حرف ت تصاویر توت و توپ مشاهده می‌شوند. بعد از یادگیری چند حرف، صفحاتی بدون متن و فقط دارای تصاویر وجود دارند که به کمک این تصاویر، کودکان حروف فراگرفته را دوره و تمرین می‌کنند. در نهایت پس از یادگیری تمام حروف الفبا، صفحات ۱۱۰-۸۵ کتاب اختصاص به متون ساده‌ای برای تمرین قابلیت خواندن کودکان دارد. بعضی از این متون ساده دارای تصویر و تعدادی بدون تصویر هستند. عمده تصاویر کتاب را تصاویر دختر و پسری همراه با خانواده نشان می‌دهد. و بدین ترتیب روابط کودکان و خانواده، فعالیت‌های مختلف کودکان و همچنین روابط اجتماعی با دیگر افراد جامعه مطرح می‌شود.

چگونگی توزیع تصاویر در کتاب فارسی اول دبستان

با شروع هر سال تحصیلی میلیون‌ها دانش‌آموز به مدارس وارد می‌شوند. تقریباً نیمی از این دانش‌آموزان را دختران تشکیل می‌دهند (تعداد دانش‌آموزان پسر در سال ۱۳۶۵ در حدود چهار میلیون و نیم و تعداد دختران سه میلیون و هفتصد هزار دانش‌آموز در مقطع ابتدایی بوده است). امکانات آموزش و پرورش به صورت یکسان در اختیار تمام دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. هر دو گروه به طور برابر تحت تأثیر روندهای اجتماعی کننده مدارس قرار می‌گیرند. دختر و پسر باید امکان بروز یکسان قابلیت‌ها، مهارت‌ها و استعداد‌های خود را در مدرسه داشته باشند و از امکانات آموزشی به صورت برابر استفاده ببرند. همچنین مدارس باید در جهت از میان بردن کاستیهایی که وجود آنها در خانواده‌ها مانع رشد و تکامل یکسان دختر و پسر شود، اقداماتی اساسی به عمل آورند. این مسئله بخصوص در ایران اهمیت بسیار زیادی دارد. چرا که هنوز خانواده‌ها به تربیت و آموزش

پسران بیشتر از دختران اهمیت می‌دهند و این مسأله هنوز هم علی‌رغم تمام دگرگونیهای اجتماعی که در دهه‌های اخیر رخ داده، در سرشماری ۱۳۶۵، میزان مردان باسواد $71/2$ درصد و میزان زنان باسواد کشور $52/3$ درصد بوده است. یعنی اگر خانواده به اهمیت سواد و آموزش واقف شده است، به دلایل متفاوت آموزش را برای پسر ضروری‌تر می‌بیند. تفاوت میان سواد زن و مرد از همان سنین پایین وجود دارد. تعداد پسران باسواد در گروه سنی ۹-۶ ساله برابر با $88/2$ درصد می‌باشد، در حالیکه در همین گروه سنی میزان دختران باسواد برابر با $77/5$ درصد است. پسران در گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله $86/5$ درصد باسواد هستند. در همین گروه سنی $70/5$ درصد از دختران باسواد می‌باشند. در واقع نه تنها زنان بالغ ما بسیار کمتر از مردان قادر به خواندن و نوشتن هستند، بلکه تعداد دخترانی هم که وارد مدارس می‌شوند از همان سنین پایین کمتر از پسران می‌باشد. جامعه ما به آموزش دختر و پسر به طور یکسان ارزش نمی‌گذارد و چنین به نظر می‌رسد که سواد کسب مهارت برای پسران مفیدتر از دختران است. مدارس باید این تصور غلط را از میان ببرند و حتی در جامعه‌ای نظیر ایران، احیاناً با تأکید بیشتر آموزش دختران، راه آنان باید هموارتر گردد. مدارس باید در دختران انگیزه‌های لازم برای درس خواندن و باسواد شدن، کسب مهارت و تخصص و کاربرد سواد در زندگی را ایجاد کنند، به نوعی که دختران معتقد شوند که آگاهی و دانش امری ضروری است. نقشهای اجتماعی دختران که در کتاب درسی به آنها ارائه می‌شود، باید نمایانگر این مسأله و نشان دهنده کاربرد سواد در زندگی باشد. طبیعتاً این گفتار در مورد پسران نیز صادق است اما چون دختران در محرومیت اجتماعی قرار گرفته‌اند در این جا بر روی انگیزه دختران تأکید می‌شود.

در کتاب فارسی اول، تصویر پسر در مجموع ۱۰۸ بار و تصویر دختر ۵۳ بار ارائه شده است. در واقع پسر دو برابر دختر در کتاب دیده می‌شود. نظیر این تصویر نیز در مورد تصویر زن و مرد وجود دارد، یعنی در برابر ۱۸ تصویر از زن با ۳۰ تصویر از مرد روبرو هستیم.

نابرابری میان تصاویر زمانی مشخص تر می‌گردد که مکانهایی را که افراد در آن قرار دارند هم مدنظر قرار دهیم.

با وجود زندگی در جامعه‌ای که زنان به عنوان نیمی از جمعیت، فعالانه در همه جا حضور اجتماعی دارند و موجودیت خود را به ثبوت می‌رسانند، زن کتاب اول فقط در چهار چوب خانه زندگی می‌کند و حتی به عنوان آموزگار نیز فقط ۲ بار در کلاس درس نشان داده می‌شود. تنها فعالیت مشخص زن در جامعه محدود به کارهای خانه مانند آشپزی و نظافت شده است. و در نقطه مقابل زن، مرد بندرت در خانه دیده می‌شود، بلکه در مکانهای مختلف حضور فعال دارد. برای دختران و پسران طبیعتاً محیط دبستان و خانه عمده‌ترین مکانهایی هستند که در آن حضور می‌توانند داشته باشند. در اینجا نیز مشاهده می‌شود که تصویر دختر، بیشتر در محیط خانه (۲۷ بار) و کمتر در محیط دبستان (۱۸ بار) مطرح می‌شود، در صورتیکه پسر بیشتر در محیط مدرسه (۳۱ بار) و ۱۹ بار در محیط خانه دیده می‌شود. در این رابطه می‌توان گفت که الگوی سنتی اندرونی - بیرونی به شدت در مورد مکان حضور زن و مرد (و همچنین دختر و پسر) رعایت شده است.

مکان طبیعی زن خانه و چهار دیواری خانه است و اگر دختر حق خروج از خانه را می‌یابد، فقط برای رفتن به مدرسه است و نه جای دیگر. با توجه به این الگو، زن و دختر در هیچیک از مراکز شغلی حضور ندارند. در حالیکه حضور همه افراد جامعه در این مراکز ضرورت دارد و کودکان بایستی از طریق تصاویر مطالب کتاب و توضیحات مربوط به آن، چگونگی حضور و رفتار در این مراکز را فراگیرند. پسران اما به گرات در مراکز شغلی به همراه مردان مشاهده می‌شوند. پسر کلاس اول از کتابفروش، که یک مرد است، کتاب می‌خرد، به درمانگاه مراجعه می‌کند و از طرف پزشک مرد مورد معاینه قرار می‌گیرد. دختران و زنان در این مراکز جایی ندارند، هر چند که در واقعیت بسیاری از زنان پزشک در درمانگاهها کار می‌کنند. و از طرف دیگر مادران، بسیار بیشتر از پدران، به همراه فرزند به درمانگاه می‌آیند. بنابراین نه فقط کتابفروشی و درمانگاه، زمین ورزش و استخر به پسران

اختصاص می‌یابد، بلکه پسر کلاس اول، با وجود سن کم، نقش شغلی را نیز بر عهده دارد و با پدر خود در مزرعه برنج همکاری می‌کند و یا در چیدن میوه‌های باغ به او کمک می‌کند.

جدول شماره ۱: توزیع تصاویر برحسب جنس و مکان حضور

مکان	پسر	دختر	زن	مرد	خانواده	جمع
محیط مدرسه	۳۱	۱۸	۲	۲	—	۵۳
محیط خانه	۱۹	۲۷	۱۶	۴	۵	۸۱
طبیعت، فضای آزاد	۳۱	۵	—	۷	—	۴۳
اماکن شغلی	۱۴	—	—	۱۳	—	۲۷
زمین بازی	۵	—	—	—	—	۵
خیابان	۲	—	—	—	—	۲
نامشخص	۶	۳	—	۴	—	۱۳
جمع	۱۰۸	۵۳	۱۸	۳۰	۵	۲۱۴

واقعیات جامعه ما بر عکس تصاویر کتاب می‌باشد؛ کودکان در مدرسه‌هایی درس می‌خوانند که اکثر اعضای آن را زنان تشکیل می‌دهند، مادران بسیاری در فعالیتهای اجتماعی دخالت دارند و در اینجا فقط توجه به زنان شاغل شهری نیست، بلکه باید زنان روستایی را که در تمام فعالیتهای زندگی دوش به دوش مردان و حتی بیشتر از آنان دخالت دارند در نظر گرفت. کودکان هر روز برای رفتن به مدرسه از خیابانهای عبور می‌کنند که زنان و مردان بیشتری فرزندان خود را به مدرسه می‌برند و یا خود به سرکار می‌روند. در فروشگاهها و مغازه‌ها زنان خرید می‌کنند و در درمانگاهها و بیمارستانها به عنوان پزشک و

پرستار مشغول به کار می‌باشند و در نهایت اگر کودک ما به اداره‌ها و کارخانه‌ها هم سر می‌زد می‌توانست تعداد زیادی از زنانی را که در این اماکن کار می‌کنند ببیند. کتاب درسی باید جنبه‌های مختلف واقعیت را به کودکان ارائه دهد و نه فقط بخش محدودی از واقعیت را. دختران ما باید با تمام امکاناتی که در آینده برای آنان وجود دارد، آشنا گردند. ارائه تصویر مادر، آن هم در ابتدایی‌ترین شکل خود (مادری که فقط غذا می‌پزد و رخت می‌شوید) بی‌ارزش جلوه دادن نقش مادر در چشم کودک است. جنبه‌های مثبت و جذاب نقش مادر می‌تواند دختر را به عنوان مادری آشنا به نقش خود وارد جامعه سازد. از طرف دیگر، با وجود آنکه اکثر آموزگاران کلاس اول زن هستند، اما حتی نقش آموزگار زن فقط ۲ بار در کتاب به نمایش گذاشته شده است.

محدود کردن واقعیت برای کودکان ما، از هر دو جنس، مضر می‌باشد. کودکان بسیار زود متوجه عدم تطابق واقعیات کتاب درسی می‌شوند و از آنجا که واقعیت زندگی ملموس‌تر است، کودک کتاب را، نه به عنوان مکمل آموزشهای جامعه، بلکه به صورت وسیله‌ای که هیچگونه ارتباطی با زندگی روزانه او نداشته و فقط برای یادگیری به او ارائه می‌شود در نظر می‌گیرد. یکی از علل اساسی جدا شدن کودکان از کتابهای درسی را می‌توان روش برخی از آموزگاران که بر روی نمرات بالا و اهمیت شاگرد اول شدن تأکید می‌کنند، عنوان کرد. کودک درس را می‌خواند و سعی می‌کند که خوب بخواند تا شاید نمره بالا بگیرد و نه به این خاطر که مطالب کتاب برای او جذابند و او را با زندگی اجتماعی آشنا می‌کنند.

تصویر خانواده به عنوان گروه اولیه در کتاب فارسی اول

نمایانگر خانواده در کتاب کلاس اول، خانواده چهار نفره پدر، مادر، امین و اکرم می‌باشند. این خانواده به معنای واقعی کلمه، یک خانواده هسته‌ای، منزوی، نومکان و بدون

ارتباط با سایر اعضای خانواده می‌باشد. در سرتاسر کتاب، تنها یک‌بار اکرم و امین با پدر بزرگ به گردش می‌روند، اما نشانی از دیگر اعضای خانواده وجود ندارد. تصاویر کتاب محل زندگی خانواده را مشخص نمی‌کنند و می‌توان حدس زد که خانواده در شهر زندگی می‌کند، اما در هر صورت با روستا در ارتباطند، زیرا که عموی امین و اکرم باغبان است و پدر جواد، دوست امین، مزرعه برنج دارد. پدر خانواده، بناست. بنابراین خانواده نمایشگر خانواده‌ای است که از روستا به شهر مهاجرت کرده است اما هنوز ارتباط خود را با روستا قطع نکرده است. این خانواده در کتاب عملاً دارای هیچ نوع کارکردی نمی‌باشد. اعضای خانواده فقط در موقع صرف غذا به دور یکدیگر جمع می‌شوند. از مجموع پنج تصویر راجع به خانواده، چهار تصویر، آنها را سر سفره و یک تصویر، پدر و مادر را در حال مشایعت کودکان نشان می‌دهد. نقش پدر فقط در رابطه با پسر معنا می‌یابد. در تمام کتاب تصویری از پدر و دختر نمی‌بینیم، اما پدر در ۸ تصویر با پسر دیده می‌شود. رابطه پدر و پسر هم بیشتر در خارج از خانه صورت می‌گیرد. فقط در یک تصویر به‌طور مشخص پدر و پسر در خانه با یکدیگر نماز می‌خوانند. در یک تصویر پدر و پسر با یکدیگر دشت و رودخانه را تماشا می‌کنند. سه تصویر در رابطه با آموزش حرفه‌ای در کتاب وجود دارد. (پدر و پسر با کمک یکدیگر میز می‌سازند، کشاورزی می‌کنند و همچنین در باغ، میوه‌ها را می‌چینند.) و بالاخره در یک تصویر، مکان و ارتباط پدر و پسر با یکدیگر نامشخص است. پدر خانواده امروزه نقش بسیار مهمی را در ارتباط با فرزندان (بدون توجه به جنس) دارد؛ راهنما، مشاور، دوست و همراه کودکان می‌باشد، اطلاعات و تجربیات گوناگون خود را به کودکان ارائه می‌دهد، و ارائه تجربه، محدود به آموزش حرفه‌ای نیست. در واقع امروز مدارس به جای الگوی قدیمی پدر، پدری که به پسر آموزش حرفه‌ای می‌دهد، عمل می‌کنند. روز به روز از تعداد کودکانی که در آینده ادامه دهنده شغل پدر باشند کاسته می‌شود و آموزش حرفه‌ای به نهادهای رسمی جامعه (آموزش و پرورش) واگذار می‌گردد. اهمیت نقش پدر، دیگر نه چندان در آموزش حرفه‌ای، بلکه در رابطه با نیازهای کودک مطرح می‌شود. رابطه

مادر با کودکان به صورت بهتری نمایش داده شده است. هر چند که مادر هرگز با پسر تنها دیده نمی‌شود، اما در پنج مورد تجمع مادر و فرزندان وجود دارد و در ضمن پسر نیز در فعالیت‌های خانگی به مادر کمک می‌کند. مادر و اکرم در چهار مورد با یکدیگر به تصویر در آمده‌اند که در دو مورد اکرم، مادر را در حین نامه نوشتن و دامن دوختن مشاهده می‌کند و در یک مورد نیز مادر آش می‌پزد و اکرم سبزی پاک می‌کند. طبیعتاً چون مادر در خارج از خانه اصلاً دیده نمی‌شود، بنابراین محدوده فعالیت او نیز محدوده فعالیت خانگی است و الگوی مادری و خانه‌داری برای اکرم مطرح می‌شود.

رابطه خواهر و برادر با یکدیگر بیشتر در ارتباط با نظافت (شستشوی روزانه و بهداشت دهان و دندان) مطرح است. در یک مورد امین به اکرم در نوشتن مشق کمک می‌کند و در دو تصویر دیگر ارتباط اجتماعی میان آن دو نامشخص می‌باشد.

خانواده به عنوان گروه اولیه‌ای که کودکان در آن رشد می‌یابند و مراحل اجتماعی شدن اولیه را در آن می‌گذرانند، در کتاب بسیار سطحی و غیر قابل تصور برای کودکان ارائه شده است. روابط اعضای خانواده با یکدیگر در واقع براساس تقسیم کار برحسب جنس دیده می‌شود: پدر با پسر و مادر با دختر. اعضای خانواده در کل با یکدیگر دارای ارتباطی به غیر از خوردن جمعی غذا نمی‌باشند. اعضای خانواده در کتاب هرگز دور هم جمع نمی‌شوند تا مطلبی را برای یکدیگر تعریف کنند و یا اطلاعاتی را با یکدیگر رد و بدل کنند و از کمک و راهنمایی یکدیگر بهره‌مند شوند. پدر و مادر با بچه‌ها به گردش و تفریح نمی‌روند، با کودکان بازی نمی‌کنند و یا حتی به آنان در انجام تکالیف درسی کمک نمی‌کنند. عملکرد این خانواده دارای بازتابی از واقعیات اجتماعی نیست در حالیکه اعضای خانواده‌های ایرانی، چه شهری و چه روستایی، دارای روابطی بسیار گسترده‌تر و غنی‌تر از روابط خانواده کتاب می‌باشند.

جدول شماره ۲: نمایش روابط اعضای خانواده بایکدیگر بر حسب مکان

مکان	پدر با پسر	مادر با دختر	مادر با دختر و پسر
خانه	۱	۴	۵
طبیعت	۱	—	—
مراکز شغلی	۳	—	—
نامشخص	۳	—	—
جمع	۸	۴	۵

تصویر روابط گروه‌های ثانویه در کتاب اول دبستان

علاوه بر گروه اولیه خانواده که برای کودکان بسیار مهم و اساسی است، کودکان با ورود به دبستان در محیط‌های اجتماعی کننده ثانویه قرار می‌گیرند و از طریق گروه‌های موجود در دبستان به نقش اجتماعی خود وقوف حاصل می‌کنند. حضور کودک در گروه‌های همسالان برای درک بهتر از زندگی اجتماعی بسیار ضروری می‌باشد. کودک از طریق سایر کودکان با قواعد و هنجارهای مورد قبول جامعه آشنا می‌گردد؛ خویشتنداری، رعایت حق و نوبت دیگران، احترام به قانون و مشارکت جهت انجام دادن فعالیتها در گروه‌های همسالان را فرا می‌گیرد.

کودکان در مدرسه و در جمع همکلاسیها از تجربه ارتباطات گروهی برخوردار می‌شوند، در عین حال دبستان باید سعی کند که میل به زندگی گروهی در افراد را تقویت کند و جنبه‌های مثبت زندگی گروهی را به کودکان بیاموزد. با توجه به تصاویر کتاب درسی باز هم به خط مشخصی میان چگونگی نمایش دختر و پسر در گروه‌های اجتماعی

می‌رسیم. تصاویر کتاب برحسب نمایش دختر و پسر به تنهایی، در گروه ۲ نفره و در گروه‌های بیشتر از ۲ نفر مورد بررسی قرار گرفت. در گروه‌های بالاتر از ۲ نفر، در مواردی تصویر یک یا دو بزرگسال هم وجود دارد.

جدول شماره ۳: نمایش افراد در گروه‌های اجتماعی

جمع	مرد	زن	پسر	دختر	
۲۷	۵	۴	۹	۹	تنها
۱۰	—	—	۷	۳	گروه ۲ نفره
۲۲	۲	۱	۱۵	۴	گروه بالاتر از ۲ نفر
۵۸	۶	۵	۳۱	۱۶	جمع

دختر و پسر منفرد به تعداد مساوی نمایش داده شده‌اند، اما نوع فعالیت آن دو با یکدیگر متفاوت است. پسر در تنهایی فعالیت‌های مربوط به شستشوی روزانه را انجام می‌دهد، دوبار نامه می‌نویسد، یک‌بار دوچرخه تعمیر می‌کند و یک‌بار هم در استخر شنا می‌کند، در صورتیکه دختر دوبار بی‌هدف سبد در دست می‌گیرد و دوات را حمل می‌کند. تصویر دختر دوبار در رابطه با شستشوی روزانه نشان داده می‌شود، یک‌بار به جوجه دانه می‌دهد، یک‌بار به غذا نمک می‌زند و یک‌بار هم بیمار می‌شود. اگر تصویر زن و مرد را نیز با هم مقایسه کنیم، تفاوت‌گذارها مشخص‌تر می‌گردند. زن در چهار تصویر به تنهایی دیده می‌شود که سرگرم رخت‌آویزان کردن است، در صورتیکه مرد تنها، دوبار سوار بر اسب است، یک‌بار با گاری بارکشی می‌کند، یک‌بار تاب می‌بندد و یک‌بار نیز در تنهایی کتاب می‌خواند. در مورد مرد و پسر با فعالیت‌هایی روبرو هستیم که دارای تحرک بوده و در اماکن

مختلف و بخصوص در طبیعت و فضای آزاد رخ می‌دهد. فعالیت آنان اغلب هدفدار است، اما در رابطه با فعالیت زن و دختر، معمولاً سکون و عدم تحرک با فعالیت آنها همراه است و هدف خاصی به دنبال ندارد و در محیط بسته خانه صورت می‌گیرد.

دختر ۷ بار در گروه دیده می‌شود: سه بار در گروه دو نفره (توپ بازی، توت خوردن و به گل آب دادن) و چهار بار هم در گروه‌های بیشتر از دو نفر به همراه همکلاسیها و دوستان که یک تصویر، مربوط به عیادت دانش‌آموزان و آموزگار از دوست بیمار می‌باشد (قابل ذکر است که صفت بیمار دو بار در کتاب مطرح شده و هر دو بار مربوط به دختران می‌باشد). پسر در مجموع ۲۲ بار در گروه دیده می‌شود: ۷ بار با یکی از دوستان و ۱۵ بار با گروه‌های بیشتر از ۲ نفر. عمده فعالیت پسر در گروه دوستان شامل بازی، نظافت و پاکیزگی و حضور در اماکن مختلف می‌باشد.

اغلب تصاویر کتاب اول دختر را به تنهایی در گروه‌های کوچک نشان می‌دهد، که بیشتر این گروه‌ها باز هم محدود به خانه و مدرسه می‌باشند. فراگیری نقشهای اجتماعی و هنجارهای اجتماعی از طریق گروه ثانویه، برای دختران بی‌اهمیت تلقی شده است، اما بر فراگیری پسر از طریق شرکت در گروه‌های همبازها و همچنین حضور در اماکن مختلف تأکید گردیده است. زن کتاب فقط یک بار در گروه مطرح می‌شود که سرگرم دید و بازدید عید نوروز است، و فقط در همین یک عکس است که زنان و مردان با یکدیگر حضور دارند. مرد یک بار دیگر هم در جمع مردانی که با یکدیگر در ساختن خانه همکاری می‌کنند دیده می‌شود.

چگونگی ارائه نقشهای اجتماعی در کتاب

دبستان دارای وظیفه‌ای بسیار مهم در رشد فکری و ذهنی می‌باشد. کودکان از طریق حضور در دبستان دارای آگاهی، استقلال و اعتماد به نفس می‌گردند. دبستان با ارائه

الگوهای متفاوت اجتماعی، انگیزه لازم را به کودکان می‌دهد تا درس خواندن برایشان معنا و مفهوم پیدا کند و همچنین چگونگی کاربرد مطالب درسی در فعالیتهای اجتماعی مشخص گردد.

سواد و باسوادی به خودی خود اعتباری ندارد مگر آنکه به عنوان وسیله‌ای جهت بالا بردن سطح زندگی افراد مورد استفاده قرار گیرد. نشان دادن اهمیت سواد برای کودکان می‌تواند از طریق ارائه الگوهای افراد باسواد و موفق و مشخص کردن نقشهای اجتماعی و شغلی افراد باسواد صورت پذیرد. کتابهای دبستان باید دارای تصاویر و متونی باشد که معنایی به سوادآموزی بدهند و انگیزه‌ای برای کودکان جهت یادگیری بیشتر و بهتر مطالب ایجاد کنند. اما چنین تصاویری در کتاب کلاس اول وجود ندارد و نقشهای اجتماعی عمدتاً در رابطه با نقشهای شغلی مطرح شده‌اند.

الگوهای شغلی ارائه شده در کتاب نیز میان زنان و مردان تفاوت قائل شده است. از طرف دیگر، این الگوها برای درصد بسیار بالایی از کودکان ما انگیزه‌ای برای باسواد شدن و درس خواندن ایجاد نمی‌کنند. الگوهای شغلی مربوط به زنان فقط منحصر به مادر و آموزگار می‌باشند. حدوداً نیمی از دانش‌آموزان را دختران تشکیل می‌دهند و برای جامعه‌ای که سعی در پیشرفت و رشد اقتصادی دارد هر یک از این دختران همانند پسران نیروی فعالی هستند که باید در جامعه خدمت کنند. برای دختران باید، مانند پسران، الگوهای مختلف شغلی ارائه داده شود تا در نهایت کودک اولاً با امکانات مختلف اشتغال زنان آشنا گردد و در عین حال، نمونه‌های مختلفی در پیش رو داشته باشد. الگوی آموزگار بسیار مهم و ارزنده است، اما این برای یک دختر، تنها امکان برای وارد شدن به جامعه نیست. باید در کتاب درسی قابلیت‌های دختران و زنان و امکان اشتغال آنها و روابط مختلف شغلی شان به نمایش گذاشته شود، تا دختران و پسران دانش‌آموز با قابلیت آنان آشنا گردند و این امر بخصوص در جامعه‌ای که اصولاً خانواده‌ها تأکید کمتری بر آموزش دختران خود دارند، بسیار ضروری می‌باشد. در اینجاست که دبستان باید به عنوان تکمیل‌کننده هنجار

خانوادگی عمل کند. در جامعه ما که ۷۱ درصد مردان باسواد در برابر ۵۲ درصد زنان با سواد قرار دارند، اهمیت تأکید بر روی آموزش دختران بسیار محسوس است. دختران نیز مانند پسران باید با امکانات و مشاغل عمده جامعه و اهمیت مقام زن در جامعه آشنا شوند. نقش مادری با جلوه‌های گوناگونش در کتاب سال اول بسیار ضعیف به نمایش در آمده است. در این کتاب مادر کسی است که فقط غذا می‌پزد و نظافت خانه را انجام می‌دهد. آموزش و پرورش با وجود اهمیت فراوانی که به نقش مادری می‌دهد و این نقش هم در جامعه ما دارای اهمیت می‌باشد، هرگز به درستی ابعاد مختلف این نقش را مطرح نکرده و اگر دختر در مدرسه با وظایف آینده خود آشنا نگردد، اجباراً باید از تجربیات مادر خود استفاده کند، در اینجا نیز عدم کاربرد سواد در فعالیتهای ملموس روزانه مطرح می‌شود. اگر دبستان و بعدها دبیرستان بر روی این نقش تأکید مثبت نکند و آموزش کافی در این باره به کودکان و نوجوانان ندهد، چه فایده‌ای می‌توان برای سواد تصور کرد؟ مادر امروزه نه فقط مراقبت از فرزندان و امور مربوط به نظافت و غذا پختن را انجام می‌دهد، بلکه در واقع مسئول کلیه مسائل بهداشتی کودک می‌باشد. در طول دوره دبستان به عنوان معلم سرخانه برای کودک عمل می‌کند، موجبات تفریح او را فراهم می‌سازد، با او بازی می‌کند، با هم به گردش می‌روند و در عین حال مهمترین نقش مادر راهنمایی، مشاوره و همراهی با کودک خود است. کودک در کنار مادر (و البته پدر) آرامش و پشتیبانی می‌یابد، تا زمانی که خود شخصاً قادر به اخذ تصمیم صحیح گردد. بسنده کردن به بیان ساده‌ترین وظایف مادر در کتابهای درسی در واقع موجب می‌شود تا دختران نسبت به نقش اجتماعی زن شناخت و بینش محدودی به دست آورند. اگر تفاوتی میان مادران تحصیلکرده (که دختران ما با خواندن درس به آن حد می‌رسند) با مادران بیسواد نباشد، چه انگیزه‌ای از نظر ادامه تحصیل برای دختری که می‌خواهد ازدواج کند و مادر شود به وجود می‌آید؟ زیرا که سواد و تحصیلات عالی برای سبزی پاک کردن و آش پختن کاربردی ندارد، کما اینکه هزاران مادر بیسواد این نوع فعالیتها را بخوبی انجام می‌دهند، اما برای تربیت صحیح کودک و یا حتی

برای رسیدگی به درس و مشق کودکان سواد ضرورت دارد.

مشاغل عنوان شده در کتاب درسی کلاس اول از نظر نقش زن و مرد تفاوت‌های محسوس دارند، و بهر حال بیشتر مشاغل مربوط به مردان به تصویر کشیده شده است. در این کتاب با مشاغل زیر روبرو هستیم:

معلم، ناظم و مدیر مدرسه، پزشک، کتابفروش، کشاورز، باغدار، برنجکار، چوپان، نجار، بنا، نقاش و نانوا. در واقع بجز چند شغل از قبیل معلم، مدیر، پزشک و یا کتابفروش، بقیه مشاغل دارای پایگاه پایین اجتماعی هستند، بخصوص باید توجه کنیم که مشاغل مربوط به کشاورزی و روستاها برای بچه‌های شهری نمی‌تواند به عنوان الگو مطرح شود، بنابراین برای آنان فقط مشاغل نجاری، بنایی، نقاشی، و نانوایی باقی می‌ماند. این مشاغل نیز دارای انگیزه کافی برای کودکان نیستند و کمتر کودکی حاضر است که زحمت درس خواندن را برای رسیدن به شغل نانوایی متحمل شود. البته باید اشاره کرد که هدف از مطرح کردن مشاغل مختلف در کتابهای درسی فقط برای ایجاد انگیزه در کودکان نیست بلکه آشنایی کودکان با جامعه و امکانات آن نیز مطرح است. در یک جامعه در حال رشد و پیشرفت، که خواسته یا ناخواسته تکنولوژی در شهرها و روستاها به کار گرفته شده‌اند، مشاغل بسیار جالبی برای آشنا کردن کودک با جامعه وجود دارند.

مشاغل ارائه شده در کتاب از نوع ابتدایی هستند و حتی فعالیتی که افراد در تصویر نشان می‌دهند بدون استفاده از هیچ وسیله جدیدی و به صورت ابتدایی می‌باشد. کودکان ما تا سن هفت سالگی بارها به نانوایی رفته‌اند و عملاً با این محیط آشنایی کامل دارند، در عین حال در اثر رونق فعالیت خانه‌سازی، مشاغل بنایی، نقاشی و نجاری هم به کرات مورد مشاهده قرار گرفته‌اند، کودکان روستایی نیز از مسائل مربوط به مزرعه و کشاورزی اطلاعات کاملتری از نمونه‌های کتاب دارند. حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر نمونه‌های روستایی برای اطلاع کودکان شهری تنظیم شده‌اند، آیا نمایش کشاورزی که با داس در حال درو کردن گندم و جو است و با گاری بارکشی می‌کند، ارزش دادن به دوران

گذشته نسبت به دوران حال نیست؟ در عین حال چنین به نظر می‌رسد که آموزش و پرورش تأثیر سایر نهادها و سازمانهای اجتماعی را بر روی کودکان کاملاً نادیده می‌انگارد. در حال حاضر اغلب کودکان زیر پوشش برنامه کودک تلویزیون قرار دارند و بنابراین در رابطه با این مشاغل به اندازه کافی دارای اطلاعات می‌باشند. پس زمان آن رسیده است که لااقل در کتابهای درسی تصاویر پیچیده‌تری از جامعه ارائه شود. در بسیاری از کشورها، کودکان عملاً با پیچیده‌ترین وسایل در کلاس درس آشنا می‌شوند و با آن کار می‌کنند. ارائه تصاویری در حد یک جامعه صنعتی در کتاب درسی کشور ما هم به طور حتم باعث افزایش نیروی تفکر کودکان خواهد شد. در کتاب اول دبستان، حتی یک تصویر از پلیس که ضرورت آشنایی با نقش شغلی او برای کودکان ضرورت دارد دیده نمی‌شود. نه فقط پلیس، بلکه تصویری از خلبان هواپیما که بسیاری از کودکان در آینده می‌خواهند خلبان شوند و یا تصویری از یک مهندس و حتی تصویری از یک کارخانه با کارگران در کتاب دیده نمی‌شود. مشاغل به تصویر در آمده نه بیانگر خصوصیات زندگی شهری هستند و نه در رابطه با زندگی روستا. در نهایت می‌توان گفت که تصاویر کتاب عمدتاً در رابطه با گذشته‌ها بوده و افق دید کودک را نسبت به آینده تنگ می‌کنند. یکی از خصوصیات جوامع امروزی، تغییرات بسیار زیاد، بخصوص در زمینه مشاغل می‌باشد. بسیاری از مشاغل دوران گذشته ناپدید شده‌اند و آنهایی هم که باقی مانده‌اند، تغییر شکل داده‌اند. باید در نظر گرفت که کودک ۷ ساله امروز ما زمانی وارد بازار کار می‌شود که دنیا به قرن بیست و یکم پا گذاشته است، در چنین جامعه‌ای نه فقط شرایط تولید و کار تغییر پیدا کرده است، بلکه الزاماً تفکر افراد نیز بر اساس داده‌های جدید جامعه خواهد بود. ما کودکان خود را نه برای گذشته، بلکه برای آینده‌ای که با زمان حال نیز بسیار متفاوت خواهد بود تربیت می‌کنیم. ارائه تصاویر بدون کاربرد در جامعه در حال تحول نه فقط راهگشای کودکان ما نخواهد بود، بلکه عدم اعتقاد کودک را به کتاب تشدید کرده و جدایی روز افزون او را از کتاب به عنوان وسیله آموزش بیشتر می‌کند. کودکان ما هر روز از لابه‌لای اتومبیلها، از چهارراهها و خیابانها

می‌گذرند و به مدرسه می‌روند. کودکان ما با فشار دگمه‌ای چراغ برق را روشن می‌کنند و با دستگاه‌های مختلف برقی را به کار می‌اندازند. کودکی که می‌خواهد در آینده خلبان شود، در کتاب خود نه هواپیما می‌بیند و نه اتومبیل، اما در کتاب او حمل و نقل هنوز به وسیله گاری و الاغ صورت می‌گیرد.

کتابهای درسی ما تصاویری از جامعه را ارائه می‌دهند که در آن جامعه هرگز نشانی از سدها، کارخانه‌ها، جاده‌ها، راه‌آهن و حتی شهر وجود ندارد. مردمی را که روزانه با پیچیده‌ترین وسایل کار می‌کنند، در بیمارستانها هستند و حفاظت و نظم شهر را تأمین می‌کنند نمی‌بینیم و به‌طور کلی، تصویر جامعه ما با توجه به کتابهای درسی برای همه بزرگسالان تصویری نا آشنا و قدیمی است و با اینحال چگونه می‌توانیم از کودکان خود بخواهیم که به کتاب و درس و حتی مدرسه دل ببندند و آن را جزیی از زندگی خود بدانند؟

تصاویر بدون افراد

در کتاب اول دبستان نه فقط متن و تصویر با هم ارائه می‌شوند، بلکه در صفحات اول کتاب و صفحات دیگر، تصاویری برای آشنایی با صداها نیز مطرح می‌شوند. طبیعتاً این تصاویر باید در رابطه با مطالب و پدیده‌هایی باشند که مورد توجه و علاقه کودکان هستند تا ذوق و شوق بیشتری در آنان به وجود آورند. جدول شماره ۳ چگونگی فراوانی تصاویر را بر حسب موضوع تصاویر مشخص می‌کند.

جدول شماره ۳

تعداد	موضوع تصویر	تعداد	موضوع تصویر
۵	وسائل مدرسه	۴۷	حیوانات
۲	اجزای بدن	۳۵	وسائل خانه
۳	پوشاک	۲۰	پدیده‌های طبیعت
۳	وسائل نظافت	۱۸	وسیله کار
۲	ماشین	۱۰	گیاه (درخت)
۱۵	متفرقه	۷	وسائل بازی
		۶	تصویر نان
		۶	خانه روستایی

طبیعتاً حیوانات جذابترین پدیده برای کودکان بوده و بالاترین فراوانی را دارند. پدیده‌های طبیعت شامل تصاویر ماه، خورشید و ستارگان و همچنین دشت و رودخانه در مرتبه سوم است و تصویر میوه و درخت در کل ۱۷ بار تکرار شده که به صورت انواع میوه‌ها، درختها و یا گل و ساقه برنج می‌باشد. تصاویر وسائل کار ۱۸ بار تکرار شده، اما عمدتاً وسائل ابتدایی کار، داس، سبد، پیچ، میخ و ... را نشان می‌دهند. وسائل بازی عبارتند از توپ، سوت، تاب، طناب، و بادبادک. مهمترین وسیله بازی کودکان یعنی عروسک و ماشین در کتاب دیده نمی‌شود که احتمالاً از روی عمد چنین شده است. طناب وسیله بازی دختران و توپ وسیله بازی هر دو جنس در کتاب ارائه می‌شود. تاب، بادبادک و سوت بدون ارتباط با تصاویر کودکان مطرح شده است. از وسائل مختلف حوله، صابون و مسواک مطرح شده است. اما تصویر دوات (شیشه جوهر) که امروز استفاده از آن به خاطر وجود

خودکار عملاً منسوخ شده و یا لااقل برای کودک اول دبستان قابل استفاده نیست چندین بار تکرار شده است. وسایل مدرسه هم فقط شامل کیف، مداد و دفتر می باشد. وسایل خانه که دارای دومین میزان تنوع در کتاب می باشند (۳۵ تصویر) فقط وسایل بسیار ساده و پیش پا افتاده خانه را مطرح می کنند. در این تصاویر هیچ وسیله برقی دیده نمی شود، حتی در مجاورت تصویر اجاق گاز که تنها وسیله نسبتاً مدرن به نمایش در آمده در کتاب است، (اما توجه کنیم که مادر امین و اکرم بر روی چراغ والور آبگوشت می پزد) تصویری از اجاق قدیمی نیز به نمایش گذاشته شده است. کوزه نیز به عنوان یک وسیله خانه در کتاب دیده می شود. تصویر ماشین که مهمترین و بزرگترین پدیده محیط اجتماعی کودک است، یک بار به صورت تصویر جیب و بار دیگر به شکل وسیله بارکش دیده می شود. در این تصویر یک وانت و در جلوی آن یک الاغ که بار می کشد به عنوان وسیله بارکشی دیده می شود.

شاید قصد این بوده است که تا حد امکان سعی شود تصویر ناآشنا و نامانوس برای کودکان روستایی ارائه داده نشود. اما به همان دلیل، کودک شهری نیز اجاق و کوزه را نمی شناسد و هر دو دسته کودکان احتمالاً قارچ خوراکی را نمی شناسند و یا حیواناتی مانند طاووس و پلیکان را هرگز در زندگی ندیده اند. حال اگر می توان مفهوم طاووس و پلیکان را برای کودکان مطرح کرد، ارائه تصویر چراغ برق - با توجه به این مسأله که روز به روز بر تعداد روستاهای دارای برق افزوده می شود - چه مشکلی دارد؟ تصویر خانه ای که در کتاب مطرح شده، در هر شش بار تصویر خانه ای تنها و مستقر در طبیعت سبز و خرم است، تصویری که کودکان ما آن را با خانه خود وفق نمی دهند و آن را نخواهند شناخت. در مجاورت اشیا و حیوانات، سه تصویر از روابط مختلف اجتماعی در میان افراد دیده می شود.

تصویری در مورد اجرای مراسم حج، تصویر امام و همراهان در بهشت زهرا و تصویری در رابطه با تظاهرات ۱۷ شهریور. با وجود آنکه در متن درس بر شرکت افراد - زن و مرد و بچه در تظاهرات ۱۷ شهریور تأکید شده است، تصویر فقط نمایشگر مردان تظاهر کننده

است. در مبحث میهن ما آشنایی با گوناگونی مردم ایران مطرح می‌شود و برای درک بهتر مطالب عکس هفت مرد با لباسهای مختلف ارائه شده است. آیا مردم میهن ما را فقط مردان تشکیل می‌دهند؟

جمع بندی

کتاب اول دبستان شامل ۱۱۰ صفحه می‌باشد که در اختیار تمام بچه‌های دانش‌آموز ایرانی، بدون توجه به محل زندگی و خصوصیات قومی دیگر آنها قرار می‌گیرد. تعداد زیادی از بچه‌ها در شهرها (تهران، مشهد، تبریز، شیراز و ...) و با تمام خصوصیات یک شهر بزرگ زندگی می‌کنند و تعداد زیاد دیگری در شهرهای کوچک و روستایی و بدور از خصوصیات یک شهر بزرگ، تعدادی از کودکان با وسائل پیچیده و فنی در طول زندگی خود آشنایی یافته‌اند و عده‌ای دیگر وسیله‌ای پیچیده‌تر از بیل و داس ندیده‌اند. تعدادی از کودکان دارای پدر و مادر باسواد، دیپلمه و بالاتر هستند و عده‌ای دارای پدر و مادر کاملاً بیسواد. زبان مادری عده‌ای از کودکان فارسی است، در صورتیکه عده‌ای دیگر با ورود به دبستان فارسی را یاد می‌گیرند.

اگر به مقایسه ادامه دهیم تفاوتها را می‌توان بیشتر و بیشتر شمرد. آموزش و پرورش قصد دارد که با ۱۱۰ صفحه کتاب نیاز تمام این کودکان را برآورده سازد. حال که بر طبق نظر مسئولین باید کتابهای درسی یکسان باشد این سؤال عمده در رابطه با هدف آموزش مطرح می‌شود که اگر کتاب باید در جهت تکامل ذهنی و فکری پایین‌ترین و محروم‌ترین قشر جامعه ارائه شود پس در این میان کودکانی که در طول زندگی خود تجربه‌های بیشتری آموخته‌اند (و این به هر حال مزیتی برای آنان و همینطور جامعه و پایه‌ای برای آموزش بعدی است) چه فایده‌ای از کتابها کسب خواهند کرد؟ اگر کتاب با توجه به مفاهیم آشنا برای کودکان سطح بالا و شهری جامعه طرح شود، آیا امکان سر در گمی برای کودکان

محروم و روستایی وجود ندارد؟ احتمالاً آموزش و پرورش هم این و هم آن را انتخاب کرده است، اما باید گفت که راه حل میانی انتخاب نشده است و یا لاقلاً کتاب فارسی دبستان این راه حل میانی را ارائه نمی دهد. کتاب درسی نه برای کودک شهری و نه کودک روستایی جذابیت ندارد، مطالب و تصاویر کتاب تمایل به رسیدن، دیدن، آشنا شدن و درک پدیده های جدید را در آنان به وجود نمی آورد. هنوز محتوای کتاب را اکرم دوات آورد، ماسدر آش می پزد، آن مرد با اسب در باران آمد. و برادر بادام دارد تشکیل می دهد. وظیفه دبستان، آموزش و تکرار مطالبی که کودکان تا هفت سالگی بارها و بارها آن را دیده اند، نیست. دبستان باید همراه با رشد جامعه، مطالب تازه و پیچیده را مطرح کند، به طوری که کودک در اثر ورود به دبستان با مطالب دیگر آشنا شود.

اگر زمانی شروع درس با انار و بادام خوب و مناسب بود، امروزه تعداد زیادی از کودکان که از مهدها و کودکستانها و آمادگی به کلاس اول می آیند با نام و مشخصات میوه ها آشنا شده اند. برنامه تلویزیونی خردسالان که اکثریت کودکان را زیر پوشش می گیرد مفاهیم اولیه طبیعت، آب، باران، آفتاب، شناخت رنگها، میوه ها و اشکال را برای کودکان جامعه مطرح می کند. اما هنوز مدارس توجهی به آمادگیهای ذهنی پیش دبستانی کودکان ندارند. واژه های مورد استفاده برای یاد دادن الفبا سالیان سال است که ثابت مانده و در همین زمان، واژه های جدید و گوناگون وارد زبان فارسی شده است. احتمالاً آخرین تجدید نظر اساسی در کتابهای فارسی همزمان با انقلاب اسلامی بوده است و از آن زمان تاکنون متجاوز از سیزده سال گذشته است. برای کودک قرن بیست و یکم، هنوز انار و بادام مهمترین پدیده های زندگی هستند. به همین طریق ارائه نقشها و الگوهای اجتماعی مناسب با زمان حال نیستند. ارائه تصاویر و واژه های بسیار آشنا برای کودک و یا مشاغلی که در حال از میان رفتن هستند برای هیچیک از کودکان، در هر کجا که باشند، مفید نیست.

گذشتہ از ارائه نامناسب مطالب برای تمام کودکان، خط محکمی نیز میان مطالب مربوط بہ دختران و پسران در کتاب اول وجود دارد. دبستان برای تمام کودکان است، نہ فقط برای پسران. هزینه‌های فراوان دبستان برای ہر دو جنس است کہ باید در نہایت بہ آموزش انسانہای مستقل و آگاہ بینجامد و در واژہ انسان محدودیت جنس وجود ندارد. اگر نیمی از جامعہ دانش آموزان انگیزہ کافی برای ادامہ تحصیل و زندگی و شغل نداشته باشند، بنابراین صرف چنین هزینه‌ای برای آنان چہ سودی خواهد داشت؟

الگوی اکرم سبزی پاک می‌کند بر اہمیت سواد برای اکرم‌ها تاکید نمی‌کند، زیرا چہ باسواد و چہ بی سواد می‌توان سبزی پاک کرد، اما لااقل برای پزشک شدن یا کارمند شدن ضرورت سوادآموزی وجود دارد. چہ ضرورتی وجود دارد کہ پسر ما باسواد شود تا در آیندہ داس در دست گیرد و برنج درو کند. آیا تمام هزینه مدارس برای تربیت روستازادہ‌ای است کہ با داس کار کند، یا اینکہ حداقل کار دبستان باید این باشد کہ بہ روستازادہ از وجود تراکتور نیز خبری دہد؟ بدون سواد می‌توان با داس برنج را درو کرد، اما برای کار با تراکتور حداقل سواد برای کودک ضرورت می‌یابد.

دبستان بہ صورت مجموعہ‌ای عمل می‌کند کہ این مجموعہ شامل آموزگاران، مدیر، ناظم، کودکان و همچنین وسائل مورد استفادہ برای آموزش، یعنی کتابها می‌باشد. این مجموعہ در کل خود باید انسان مستقل را بسازد. اما زمانی کہ آموزگار اجباراً بدور از واقعیات اجتماعی، نقش خود را، دیدہ‌ها و شنیدہ‌های خود و کودکان را نفی می‌کند و بجای دادن اطلاعات جدید بہ آنان از مطالبی حرف می‌زند کہ مخالف با تجربیات کودکان است، وقتی کہ سعی در آموزش مفاهیمی می‌کند کہ کودکان بارها و بارها آن را شنیدہ‌اند و مطلب جدیدی بہ آنان ارائه نمی‌دہد، چگونہ می‌توان گمان برد کہ کودک با درس رابطہ‌ای منطقی پیدا می‌کند؟ اگر کودک درس را فقط برای نمرہ بخواند و ہدف مہم از آموزش را درک نکند، چرا باید هزینه فراوان صرف او شود تا در طول زندگی تحصیلی و نیز بعد از دیپلم گرفتن، حتی سالی یک کتاب ہم نخواند و در پی آموزش مجدد خود (بدون

مدارک دانشگاهی (نباشد. عدم تمایل جوانان ما به یادگیری و استفاده از دانش خود در زندگی بنا به عوامل متعددی می تواند باشد، اما بدون شک یکی از عمده ترین آنها دور بودن مطالب کتاب با زندگی واقعی کودک است، به نوعی که از کلاس اول کودک متوجه می شود که بدون توجه و همچنین بدون قبول مطالب کتاب، باید آن مطالب را برای رسیدن به نمره قبولی یاد گیرد.

از چنین کودکی در سنین جوانی چه توقعی می توان داشت؟